

حق مالکیت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی از منظر حقوق مالکیت فکری (مطالعه تطبیقی)¹

صفر بیگزاده²

فصلنامه علمی - پژوهشی

مدیریت

استادیار پژوهشکده مدیریت فناوری اطلاعات، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

اطلاعات

بهر روز رسولی

دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

دوره 2، شماره 3 و 4

تابستان و پاییز 95

چکیده: پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی از مهم‌ترین برآیندهای پژوهشی دانش‌آموختگان این دوره‌ها هستند. ایده اصلی در این آثار مربوط به دانشجو است، اما گروه راهنمایی و مؤسسه‌های آموزشی نیز در تکمیل اثر نقش دارند. با این حال، حقوق مادی و معنوی هریک از افراد یا نهادهایی که در تکمیل این آثار نقش دارند هنوز مشخص نیست. در این مطالعه سعی شده این مسئله در ایران با رویکرد حقوقی بررسی شود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و مطالعه تطبیقی متون قانونی مرتبط در ایران و دو کشور توسعه‌یافته، یعنی ایالات متحده و کانادا است. حقوق مالکیت فکری از زیرساخت‌های گردآوری، سازمان‌دهی و اشاعه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی است و لذا ضرورت پژوهش در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است. رویکرد پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، کیفی، و روش پژوهش «تحلیل اسناد» است. جامعه بررسی این پژوهش شامل مقررات مرتبط با کپی‌رایت، به‌ویژه درباره پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در کشورهای منتخب می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد توجه آیین‌نامه‌های دانشگاه‌های ایالات متحده و کانادا به مسائل مرتبط با کپی‌رایت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها بیش از مؤسسه‌های ایرانی است. علیرغم تأثیر اساتید راهنما، مشاور، و داور در پایان‌نامه، همواره شخص دانشجو مالک «اثر» و حقوق ناشی از آن - به تعبیر قانون حمایت - به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: حقوق مالکیت فکری، کپی‌رایت، حق مادی، حق معنوی، آموزش عالی، پایان‌نامه و رساله دانشجویی، ایران.

¹ این مقاله از طرح پژوهشی «بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در ایران» استخراج شده که با پشتیبانی مالی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) به انجام رسیده است.

مقدمه

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی از مهم‌ترین آثار دانشجویان در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری هستند و هر ساله شمار قابل توجهی از آن‌ها انجام و منتشر می‌شود. با افزایش شمار دانشجویان این دوره‌ها - به‌ویژه در چند دهه اخیر - توجه به جنبه‌های گوناگون این آثار نیز بیش‌تر شده است. حسب آیین‌نامه‌های مرتبط آموزشی در بیش‌تر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی جهان، پایان یافتن دوره‌های تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری منوط به ارائه پایان‌نامه یا رساله و اخذ نمره قبولی است.

اگرچه غالباً و اصولاً ایده اصلی در پایان‌نامه و رساله مربوط به دانشجو است، اما استنادی که به‌عنوان تیم راهنما تعیین می‌شوند نیز می‌توانند در پروراندن و تکمیل ایده، و در نهایت در نگارش اثر نقش داشته باشند. از دیگر سو، دانشگاه‌ها نیز در حمایت از تکمیل و نگارش این آثار ذی‌نقش هستند. پیچیدگی این موضوع زمانی بیش‌تر می‌شود که روش‌ها و فرایندهای گوناگونی در نظام آموزش عالی وجود داشته باشد؛ برای مثال، پذیرش دانشجویان بورسیه، پذیرش دانشجویان روزانه و با حمایت بودجه عمومی، پذیرش دانشجویان شبانه با اخذ شهریه به‌عنوان بخشی از هزینه‌های تحصیل، پذیرش دانشجویان با شهریه کامل، و غیره. در این نظام‌های آموزشی ناهمگون، تعیین این‌که کل (یا بخشی از) پایان‌نامه متعلق به کیست، دشوار است. با این حال، مسئله اصلی که به نظر هنوز به آن توجه نشده، حقوق مادی و معنوی هریک از افراد یا نهادهایی است که در تدوین و تکمیل پایان‌نامه یا رساله نقش دارند.

هدف کلیدی این پژوهش تعیین و شناسایی مالک حقوقی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی است. این هدف از طریق مطالعه قوانین و اسناد حقوقی کشورها و همچنین از طریق مطالعه سیاست‌ها، آیین‌نامه‌ها، و مقررات مرتبط با پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در مؤسسه‌های تراز اول کشورهای منتخب دنبال خواهد شد. پرسش‌هایی که در این پژوهش پاسخ داده خواهند شد عبارتند از این‌که آیا در آیین‌نامه‌های دانشگاهی به مالکیت حقوقی پایان‌نامه‌ها توجه شده است؟ آیا مشارکت تیم راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و نهادهایی که از تکمیل این آثار پشتیبانی می‌کنند منجر به ایجاد حق مالکیت برای آنها می‌شود؟ و در نهایت مالک حقوقی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها چه کسانی هستند؟

با شفاف‌سازی حقوق ناشی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، افراد و مؤسسه‌های ذی‌نقش در این آثار آسان‌تر می‌توانند درباره شرایط و نحوه مالکیت بر آن‌ها تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، اهمیت این پژوهش آن‌جا است که دانشجو، استاد و دانشگاه (که سه ضلع اصلی تولید پایان‌نامه یا رساله هستند)

هرکدام از حقوق مرتبط با اثر آگاه می‌شوند و نوع و میزان مالکیتشان بر حقوق ناشی از اثر نیز روشن می‌شود.

در این نوشتار نخست پژوهش‌های پیشین معرفی و بررسی شده‌اند و کلیدی‌ترین یافته‌های آنها در زمینه کپی‌رایت آثار دانشگاهی گزارش می‌شود. در ادامه روشی که این پژوهش از طریق آن انجام شده، شامل رویکرد پژوهش، ابزارهای گردآوری داده، منابع گردآوری داده، و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها آورده شده است. سپس به گزارش یافته‌های پژوهش، به تفکیک کشورها و در سه بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، مالکیت مادی، و مالکیت معنوی پایان‌نامه‌ها پرداخته شده است. در پایان نیز بحث‌های انجام شده در این نوشتار جمع‌بندی شده‌اند.

بررسی نوشته‌ها

توجه به حقوق آثار دانشگاهی جدید نیست، ولی بررسی‌های ما نشان داد پژوهش‌ها در زمینه مالکیت بر حقوق پایان‌نامه‌ها نسبتاً ناچیز است. کمیته مشترک نظام‌های اطلاعاتی³ (2004) «جیسک» گزارشی درباره کپی‌رایت پایان‌نامه‌ها منتشر کرده و مالکیت آثار را وابسته به آیین‌نامه‌های مؤسسه‌ها می‌داند و معتقد است در این باره رویه واحدی وجود ندارد (Andrew, 2004). از نظر «ویجیاکومار»⁴ (2005)، نخست باید مشخص کرد کپی‌رایت پایان‌نامه مربوط به کیست: دانشجو، استاد، یا مؤسسه حامی؛ البته او راه‌حلی در این زمینه ارائه نداده است.

«جونز» و «آندرو» (2005) به استناد «قانون کپی‌رایت، طرح‌های صنعتی، و پروانه‌های ثبت اختراع»⁵ انگلستان، مصوب 1988، توضیح می‌دهند که هرگونه بهره‌برداری از پایان‌نامه باید با اجازه صاحب کپی‌رایت اثر صورت گیرد، اما این نوع مالکیت را تشریح نکرده‌اند. همچنین کنت کروزر⁶ راهنمایی که درباره کپی‌رایت برای مؤسسه «پروکوست» تهیه کرده (2013) می‌گوید مالکیت کپی‌رایت از آن شخصی است که اثری را پدید آورده است. بنابراین، اگر دانشجو پایان‌نامه را پدید آورده، او مالک کپی‌رایت است. هنگامی که مؤسسه‌ای از پایان‌نامه حمایت مالی یا محتوایی کرده، «کروز» افراد را به توافق‌نامه‌های مربوطه ارجاع می‌دهد. او تعیین حق مالکیت بر پایان‌نامه را اولین گام به منظور انتشار

³Joint Information Systems Committee (JISC)

⁴Vijayakumar

⁵Copyright, Designs and Patents Act (CDPA)

⁶Kenneth Crews

آثار می‌داند. «گرنِت» و «تومال»⁷ (2013) نیز اشاره می‌کنند که مسئله کپی‌رایت پایان‌نامه، مخصوصاً اگر پای مؤسسه حامی درمیان باشد، بسیار پیچیده است. «پیکتان»⁸ و «مکنایت»⁹ (2006) معتقدند که تعیین تکلیف مالکیت منابع روی واسپارگاه‌های سازمانی باید بخشی از خط‌مشی سامانه‌ها باشد تا موفقیت آن‌ها تضمین شود (Gadd, Oppenheim, and Proberts, 2003).

برپایه آیین‌نامه مفصل اداره کپی‌رایت دانشگاه (2013)¹⁰، 10 در «دانشگاه ملبورن»¹¹ دانشجویان موظفند یک نسخه از پایان‌نامه‌شان را روی واسپارگاه سازمانی بگذارند. اما دانشجویان در ارائه دسترسی آزاد به تمام متن پایان‌نامه آزادند. بنابراین، به نوعی مالکیت اثر با دانشجویان است. در آیین‌نامه «دانشگاه دوک»¹² (2015)¹⁴، تصریح شده از زمانی که پایان‌نامه دانشجو به شکلی ملموس درمی‌آید، برپایه قانون کپی‌رایت ایالات متحده، حقوق قانونی آن در انحصار دانشجو است. طبق گفته‌های دفتر ارتباطات علمی¹³ (2015) در «دانشگاه کالیفرنیا» نیز دانشجویان پس از خلق پایان‌نامه، خودبه‌خود مالک کپی‌رایت اثر هستند، فارغ از آن که این اثر ثبت شده یا شامل صفحه اعلان کپی‌رایت باشد. «آیین‌نامه کپی‌رایت دانشگاه استنفورد» (Stanford University, 2016) مالکیت مادی آثار دانشجویان را تحت شرایط خاصی برای خود محفوظ داشته است؛ یعنی در مواردی که پایان‌نامه جزء «آثار سفارشی» قلمداد می‌شود یا در تهیه و انجامش از منابع دانشگاه «استفاده غیرمعمول» شده باشد.

در نگاه گسترده‌تر، می‌توان به نوشته‌هایی اشاره کرد که به موضوع «علم مال کیست؟» پرداخته‌اند. پژوهشگران «دانشگاه منچستر» در مقاله‌ای با عنوان «علم مال کیست؟»¹⁴ (Rhodes et al., 2011) به این نتیجه رسیدند که با مدل‌های فعلی، آینده درخشانی برای پیشرفت علم و دسترسی عمومی به آن نمی‌توان متصور شد. «تارلاک»¹⁵ (2002) نیز لزوم تغییر در نظام دسترسی به علم را گوشزد کرد.

⁷Grant & Tomal

⁸Pickton

⁹McKnight

¹⁰University Copyright Office

¹¹University of Melbourne

¹²Duke University

¹³Office of Scholarly Communication

¹⁴Who Owns Science

¹⁵Farlock

«مکشری»⁶(2001) با در هم آمیختن سه موضوع قانون، علم، و دانشگاه به بررسی جریان تولید مالکیت‌های فکری در دانشگاه و مقررات حاکم بر آن پرداخته است. «پِیلا»⁷(2010) کی‌رایت آثار دانشگاهی را ارزیابی کرده و با توضیح این‌که اشکال اصلی سرمایه‌های فکری در اثر دانشگاهی کی‌رایت و پروانه‌های ثبت اختراع هستند، نتیجه گرفته که تصمیم درباره مالکیت آثار آسان نیست. «رهمتیان»¹⁸(2014) نیز با تحلیل آیین‌نامه‌های دانشگاهی مرتبط با کی‌رایت و حقوق مالکیت فکری، نتیجه می‌گیرد که بحث بر سر مالکیت مادی و معنوی آثار در آثاری بیش‌تر است که نتیجه رابطه استخدامی استادان با دانشگاه هستند (آثار سفارشی).

جمع‌بندی نوشته‌ها نشان می‌دهد مالکیت مادی و معنوی بر پایان‌نامه‌ها از زمانی بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته که این منابع وارد محیط برخط شده و امکان استفاده از آن‌ها بیش‌تر شده است. بنابراین، پژوهش در این زمینه بیش‌تر از اوایل دهه 1990 وارد نوشته‌های دانشگاهی شده؛ هرچند سابقه طولانی‌تری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر را می‌توان در پارادایم کیفی دسته‌بندی کرد. حسب این رویکرد، برای پاسخگویی به پرسش‌ها، لازم است اسناد مرتبط جستجو، بازیابی و مطالعه گردیده، از منظر حقوقی تجزیه و تحلیل شوند و وضعیت موجود در کشورهای گوناگون مقایسه گردد. «روش تحلیل اسنادی»¹⁹ و «روش تطبیقی»²⁰ روشی بوده‌اند که برای کمک در دستیابی به اهداف پژوهش به نظر مناسب آمده‌اند. تحلیل اسنادی فرایندی نظام‌مند برای گردآوری، تجزیه و تحلیل، و بررسی اسناد مرتبط است (Rapley, 2007). همانند سایر روش‌های کیفی، در تحلیل اسنادی داده‌های گردآوری شده باید به منظور خاصی تفسیر شوند (Flic, 2014: 526). تحلیل اسنادی شامل سه گام کلیدی است: بررسی و انتخاب اسناد، مطالعه، و تحلیل و تفسیر (Rapley, 2007). فرایند گردآوری اسناد مرتبط در این پژوهش، علاوه بر جستجوی پایگاه‌های اطلاعاتی مهم، شامل مراجعه به پایگاه‌های قوانین کشورها،

¹⁶McSherry

¹⁷Pila

¹⁸Rahmatian

¹⁹document analysis method

²⁰Comparative method

وبگاه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی گوناگون برای بازیابی آیین‌نامه‌های موجود، و سایر منابعی بوده که احتمالاً در بردارنده اسناد مرتبط با موضوعند.

روش دیگر به کار گرفته شده «مطالعه تطبیقی» است. «اشتراوس»²¹ و «کوین»²² مقایسه و تطبیق را فرایندی می‌دانند که خواه ناخواه بر استدلال ما تأثیر گذارند (Strauss and Quinn, 1997). مطالعه تطبیقی در دیگر روش‌های کیفی - مانند قوم‌نگاری - کاربرد دارد و کلیدی است (Gingrich, 2012). «کوپلر»³ (1993: 107) معتقد است مقایسه از ابزارهای اساسی تحلیل است. استفاده از این روش در علوم انسانی و علوم اجتماعی رایج است؛ چراکه در این علوم به مقایسه زبان‌ها، مذاهب، ادیان، فرهنگ‌ها، نظام‌های سیاسی، و نظام‌های حقوقی می‌پردازند (Flick, 2014: 96). روش تطبیقی کیفی به دنبال برجسته کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها است (May, 1997: 187). جامعه مورد بررسی این پژوهش شامل قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، و شیوه‌نامه‌های مرتبط با کپی‌رایت، به‌ویژه درباره پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران، ایالات متحده و کانادا می‌شود. قوانین و مقررات کشوری جامعه، بازیابی و بررسی شد؛ اما به دلیل محدودیت در بررسی کل جامعه، با کمک تکنیک نمونه‌گیری هدفمند 50 دانشگاه از ایالات متحده (از ایالت‌های گوناگون) و 10 دانشگاه از کانادا (از استان‌های گوناگون) انتخاب، و با کمک نمونه‌گیری در دسترس، شماری دانشگاه از ایران گزینش شد تا آیین‌نامه‌های مرتبط آن‌ها بررسی گردد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمعیت‌شناختی

ایالات متحده و کانادا

«قانون کپی‌رایت ایالات متحده»²⁴ و «قانون کپی‌رایت»²⁵ دو قانون کلیدی برای بررسی هستند. در بخش بررسی آیین‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌های دانشگاه‌های هدف شناسایی و تحلیل شدند: بررسی این آیین‌نامه‌ها نشان داد که ساختار آن‌ها با هم متفاوت است:

²¹ Strauss

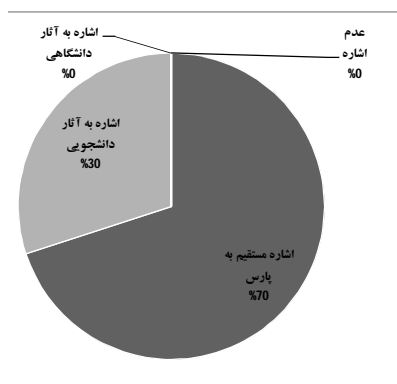
²² Quinn

²³ Coiller

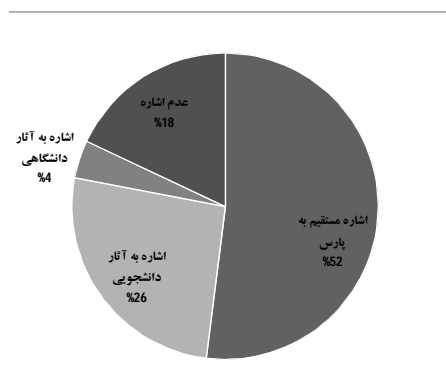
²⁴ title 17: copyright law of the united states available at <http://www.copyright.gov/title17/>

²⁵ copyright act (R.S.C., 1985, c. C-42) available at <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/C-42/FullText.html>

- در برخی اشاره مستقیم به پایان‌نامه شده است (اشاره مستقیم به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها)؛
 - در برخی به آثار دانشجو به طور کلی اشاره شده است (اشاره به آثار دانشجویی)؛
 - در برخی به آثار دانشجویان اشاره‌ای نشده و آثار افراد وابسته به دانشگاه بحث شده است (اشاره به آثار دانشگاهی)؛
 - برخی اشاره مستقیمی به سیاستشان در قبال آثار افراد وابسته به مؤسسه نداشته یا حداقل منتشر نکرده‌اند (عدم اشاره).
- شمار و درصد مؤسسه‌هایی که در هریک از گروه‌های بالا قرار گرفته‌اند در نمودار 4-1 و 4-2 آمده است.



نمودار 4-2. اشاره به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در آیین‌نامه‌های بررسی شده در مؤسسه‌های کشور کانادا



نمودار 4-1. اشاره به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در آیین‌نامه‌های بررسی شده در مؤسسه‌های کشور ایالات متحده

ایران

در بخش قوانین، «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»²⁶ (مصوب 1348/11/21) بررسی شده است. البته در کنار این قانون باید از «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» (مصوب 1352/10/6) نیز نام برد. این قوانین در سایه قواعد کلی مالکیت در قانون مدنی یا دیگر قوانین بالادستی قابل تبیین هستند. اما در بخش آیین‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌های مرتبط دانشگاه‌ها به همراه دو آیین‌نامه²⁷ زیر بررسی شده‌اند:

- آیین‌نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته (مصوب 1388/1/15 شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی) با یک مقدمه، 39 ماده، و 19 تبصره.

²⁶<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/96427>

□ آیین‌نامه دوره دکتری (مصوب 1389/8/8 شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی) با یک مقدمه، ماده 15 و 22 تبصره.

مالکیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در ایالات متحده و کانادا

مالکیت معنوی

«مالکیت معنوی» یک اثر که برخی آن را «حقوق اخلاقی» نیز نامیده‌اند (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص 84)، ناظر بر احراز هویت کسی است که اثری پدید آورده است. بنابراین، هدف حقوق معنوی حمایت از «شخصیت» یا «شهرت» پدیدآور - و نه لزوماً مالک - اثر است (Harris, 2011). ایده کلیدی مالکیت معنوی بر این پایه استوار شده که «خلق یک اثر ادبی/هنری صرفاً محصولی نیست که بتوان آن را خرید و فروش کرد، بلکه محمل مستقیمی است که شخصیت، هویت، و حتی روح خلاق پدیدآور را دارد». (Bird and Ponte, 2006: 217)

«ایالات متحده» پس از امضای «معاهده برن» حقوق معنوی پدیدآوران را به رسمیت شناخت و در متن قانون از آن نام برد. انتساب و تمامیت تنها حقوقی بودند که در متن قانون اشاره شدند (Ardito, 2002). دلیل پذیرش این حقوق الزام‌آور بودن پذیرششان در معاهده برن بود. در قانون کپی‌رایت فعلی «ایالات متحده» این حقوق همچنان برای آثار بصری محفوظ است²⁷ و به دیگر حقوق معنوی پدیدآوران در متن قانون اشاره نشده است. ولی اگر اثر سفارشی باشد، سفارش‌دهنده می‌تواند حقوق معنوی اثر را نیز تصاحب کند. (Bird and Ponte, 2006: 257)

برخلاف «ایالات متحده»، «کانادا» از جمله نخستین کشورهایی بود که حقوق مالکیت معنوی²⁸ را به رسمیت شناخت (Mohammed, 2009). حقوق معنوی در دو ماده مجزا در قانون کپی‌رایت «کانادا» مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. بر پایه مواد 14,1 و 17,1، «پدیدآور یک اثر حق تمامیت بر اثرش، و همچنین آمدن اسمش بر روی آن را دارد». از آنجا که «ایالات متحده» و «کانادا» معاهده «برن» را امضا کرده‌اند، طبیعی است که حق معنوی پدیدآوران را به رسمیت شناخته و در قوانین خود به آن توجه کرده باشند.²⁹

²⁷Title 17, § 106A . Rights of certain authors to attribution and integrity, (a) Rights of Attribution and Integrity

²⁸ 6

²⁹ «این معاهده: 6 طبق ماده 29»

از چالش‌های حقوق معنوی «آثار سفارشی» است. حق معنوی آثار سفارشی متعلق به کیست؟ پدیدآور اصلی یا فرد/ مؤسسه‌ای که اثر را سفارش داده است؟ قوانین کپی‌رایت در دو کشور «ایالات متحده» و «کانادا» در این مورد وارد جزئیات نشده‌اند؛ اما می‌توان استنباط کرد که هر دو مورد امکان‌پذیر است، یعنی حقوق معنوی هم می‌تواند متعلق به پدیدآور اصلی باشد هم به فرد/ مؤسسه‌ای که اثر را سفارش داده است. برخی معتقدند هرگاه سفارش‌دهنده یک مؤسسه باشد، به لحاظ حقوقی نمی‌تواند به‌عنوان پدیدآور در نظر گرفته شود (Rigamonti, 2006: 376). به هر جهت، در این موارد قراردادهای تعیین تکلیف خواهند کرد.

در مورد پایان‌نامه‌ها مسأله متفاوت است. تفاوت اصلی آن‌ها با دیگر آثار، لزوم درج نام دانشجو روی اثر است. از این رو، تمام حقوق معنوی پایان‌نامه دانشجویان برای آن‌ها محفوظ است. مالکیت دانشجویان بر حقوق معنوی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها بدیهی است و بنابراین دانشگاه‌ها در آیین‌نامه‌هاشان به آن نمی‌پردازند. بر پایه آیین‌نامه «دانشگاه میشیگان» تمام حقوق معنوی آثار دانشجویان برایشان محفوظ است (University of Michigan Library, 2016).

مالکیت مادی

اگرچه قوانین کپی‌رایت در مورد مالکیت معنوی گاهی ساکت هستند، به مالکیت مادی توجه بسیار دارند. کانون توجه مالکیت مادی روی «صاحب» یا «مالک» اثر است. کپی‌رایت به صاحبان آثار، چندین حق انحصاری می‌دهد. طبق ماده 106 «قانون کپی‌رایت ایالات متحده»³⁰ و «ماده 3» از بخش نخست «قانون کپی‌رایت کانادا»³¹، حقوقی انحصاری به صاحبان آثار تحت حمایت تعلق می‌گیرد:

□ این حق مستقل از حقوق مادی است و حتی پس از انتقال حقوق [مادی] گفته شده برای پدیدآور محفوظ است و پدیدآور و می‌تواند به هرگونه تحریف، حذف یا هر نوع تغییر اثر یا هر نوع لطمه دیگر نسبت به آن که موجب خدشه‌دار شدن اعتبار یا شهرت او شود اعتراض کند؛

□ این حقوق (حقوق مقرر برای پدیدآورنده وفق بند یک) دست‌کم پس از وفات پدیدآور تا انقضای حقوق مالی حفظ می‌شود و توسط اشخاص یا نهادهایی که به موجب قوانین ملی کشور محل تقاضای حمایت صلاحیت دارند، اجرا می‌گردد. با این وجود، کشورهایی که قوانین حاکم آن‌ها در زمان تصویب یا الحاق به این معاهده فاقد مقررات حمایت پس از وفات، مقرر در بند یک این ماده، هستند می‌توانند مقرر کنند که برخی از این حقوق پس از وفات پدیدآورنده باقی نمی‌ماند.

□ طرح دعاوی برای حفظ حقوق مقرر در این ماده توسط قوانین کشوری که در آن تقاضای حمایت شده تعیین می‌شود.

³⁰ USC § 106: Exclusive rights in copyrighted works

³¹ R.S.C. C-42, part I: copyright and moral rights in works, § 3 (1)

جدول 1. حقوق انحصاری صاحبان آثار در قوانین ایالات متحده و کانادا

ایالات متحده (محفوظ تا 70 سال پس از وفات مالک(ان))	کانادا (محفوظ تا 50 سال پس از وفات مالک(ان))
<ul style="list-style-type: none"> <input type="checkbox"/> تکثیر آثار تحت حمایت؛ <input type="checkbox"/> تهیه آثار اشتقاقی بر پایه آثار تحت حمایت؛ <input type="checkbox"/> توزیع نسخه‌های آثار تحت حمایت از طریق فروش یا سایر گونه‌های انتقال مالکیت، اجاره، کرایه، یا امانت؛ <input type="checkbox"/> اجرای عمومی آثار (درباره آثار هنری، موسیقایی، دراماتیک، حرکات موزون،³² پانتومیم، تصاویر متحرک، و دیگر آثار صوتی - تصویری)؛ <input type="checkbox"/> نمایش عمومی آثار (درباره آثار هنری، موسیقایی، دراماتیک، حرکات موزون، پانتومیم، و آثار تصویری، گرافیک، یا مجسمه، شامل قطعه عکس، تصاویر متحرک، یا سایر آثار صوتی - تصویری)؛ <input type="checkbox"/> اجرای عمومی آثار به‌وسیله ابزار دیجیتالی انتقال صوت (درباره رکوردهای صوتی). 	<ul style="list-style-type: none"> <input type="checkbox"/> تولید، تکثیر، اجرا، یا انتشار هر ترجمه‌ای از اثر؛ <input type="checkbox"/> تبدیل به رمان یا سایر آثار غیردراماتیک (درباره آثار دراماتیک)؛ <input type="checkbox"/> تبدیل به آثار دراماتیک از طریق اجرای عمومی یا روش‌هایی مشابه (درباره آثار رمان یا سایر آثار غیردراماتیک، یا آثار هنری)؛ <input type="checkbox"/> درست کردن یک رکورد موسیقایی، فیلم سینمایی، یا دیگر آثار این چنینی به طریقی که اثر ممکن است مکانیکی تکثیر یا اجرا شود (درباره آثار ادبی، دراماتیک، یا موسیقایی)؛ <input type="checkbox"/> تکثیر، تطبیق، و ارائه اثر به‌عنوان یک اثر سینمایی (درباره هر اثر ادبی، دراماتیک، موسیقایی، یا هنری)؛ <input type="checkbox"/> هم‌رسانی عمومی اثر از طریق ارتباط دوربرد (درباره هر اثر ادبی، دراماتیک، موسیقایی، یا هنری)؛ <input type="checkbox"/> اجاره برنامه رایانه‌ای (درباره برنامه‌های رایانه‌ای)؛ <input type="checkbox"/> اجاره رکورد صوتی که حاوی اثر است (درباره آثار موسیقایی)؛ <input type="checkbox"/> فروش یا انتقال مالکیت به شیوه‌های دیگر (درباره هر اثری که شکلی ملموس دارد).

مسئله‌ای کلیدی در بررسی مالکیت مادی آن است که پدیدآور اثر لزوماً مالک اثر نیست؛ برای مثال در آثار سفارشی. اثر سفارشی به سفارش فرد/ مؤسسه‌ای توسط شخص ثالثی پدید می‌آید. پدیدآور شاید دستمزد دریافت کند یا نه. در این شرایط پدیدآور اصلی احتمالاً تنها از حقوق معنوی اثر بهره‌مند می‌شود و حقوق گوناگون مادی اثر از آن فرد/ مؤسسه سفارش‌دهنده خواهد شد (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص 77-74). بنابراین، از نظر قانون مالک کپی‌رایت فرد/ مؤسسه سفارش‌دهنده اثر

است. طبق همین مسأله، مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی نیز ممکن است مالک برخی آثار شوند. بنابراین، به لحاظ نظری، پایان‌نامه‌ها هم ممکن است به مالکیت دانشجویان یا مؤسسه‌ها درآیند. گزاره کلی در مورد کپی‌رایت پایان‌نامه‌ها آن است که حقوق مادی و معنوی‌شان برای دانشجو است؛ زیرا پایان‌نامه عموماً ایده خود دانشجو است و برای انجام آن دستمزدی به او پرداخت نمی‌شود. تحلیل سیاست‌های کپی‌رایت مؤسسه‌های «ایالات متحده» و «کانادا» نشان می‌دهد در مواردی که دانشجو مالک مادی پایان‌نامه است به‌عنوان یکی از شرایط دانش‌آموخته شدنش به مؤسسه اجازه «دائمی»، «غیرانحصاری»، «جهانی»، «غیرتجاری»، و «غیرقابل انتقال» (یا «شاپ رایتس»)³³ رایگان برای نگهداری نسخه‌ای از اثرش برای مقاصد آرشیوی و همچنین تکثیر و توزیع عمومی اثر طبق مأموریت آموزشی و پژوهشی مؤسسه دهد. بیش‌تر مؤسسه‌ها مجوزی برای انتشار آثار روی واسپارگاه‌هاشان نیاز دارند. ولی مالکیت مادی پایان‌نامه همیشه به دانشجویان تعلق ندارد. جمع‌بندی آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت دو کشور نشان می‌دهد در موارد زیر مالکیت مادی پایان‌نامه برای مؤسسه محفوظ خواهد بود:

1. تهیه اثر تحت شرایط قرارداد یا کمک‌هزینه پژوهشی: قرارداد یا کمک‌هزینه پژوهشی ممکن است دو منبع داشته باشد: منابع داخلی و منابع خارجی دانشگاه. دانشگاه ممکن است حین انجام پروژه با دانشجویان قرارداد ببندد و به آن‌ها دستمزد دهد و دانشجو نیز حین انجام این فعالیت‌ها پایان‌نامه یا رساله خود را تکمیل کند. در چنین شرایطی شاید دانشگاه ادعای مالکیت مادی اثر را داشته باشد. اگر منبع کمک‌هزینه پژوهشی خارجی باشد، ضوابط قرارداد معین مالکیت مادی آثار خواهند بود.
2. استفاده قابل توجه از منابع و امکانات مؤسسه: «استفاده قابل توجه» از منابع به معنای استفاده عادی از منابعی مانند کتابخانه، آزمایشگاه، زمان و دانش اعضای هیأت علمی، رایانه‌ها و سایر خدمات روزمره دانشگاه نیست، بلکه یعنی دریافت کمک مالی خاص به‌واسطه قراردادی مشخص، اختصاص یک عضو هیأت علمی یا کارمند به دانشجو خارج از زمان معمول، خرید تجهیزات ویژه از منابع مالی دانشگاه، و دیگر استفاده‌هایی که دانشگاه پیش‌تر شرایطشان را تعیین کرده است.

³³ معادل shop rights و به معنی مجموعه‌ای از حقوق قانونی است که به موجب آن تمام حقوق مالکیت مادی یک اثر یا یک اختراع به نها یا شرکتی واگذار می‌شود که پدیدآور آن اثر یا اختراع را به‌استخدام درآورده است و برای این کار حقوق می‌گیرد. برای انتقال این حقوق حتی لازم نیست توافقنامه یا قراردادی بین مؤسسه با کارکنان امضا شود.

3. تهیه اثر به‌عنوان بخشی از وظایف شغلی: به آثاری که در این گروه قرار می‌گیرند «آثار سازمانی»³⁴ هم می‌گویند. اثر سازمانی یعنی آنچه مالکیتش در اختیار مؤسسه است. زمانی که افراد به استخدام دانشگاه درآمده‌اند و در ازای انجام پژوهش «حقوق»³⁵ می‌گیرند، آثاری که تولید می‌کنند به دانشگاه تعلق می‌گیرد. آثار سازمانی به دسته دیگری از آثار نیز اشاره دارد: آثاری که افراد زیادی درگیر انجامش هستند و تفکیک نقششان شدنی نیست. این آثار نیز چون با حمایت مؤسسه انجام شده‌اند به مالکیت دانشگاه در خواهند آمد.
4. در هر سه مورد بالا، باید قرارداد میان مؤسسه و دانشجو مشخص کرده باشد که حقوق مالکیت مادی اثر متعلق به کیست.

مالکیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در ایران

در نظام تحصیلات تکمیلی ایران، مالکیت بر پایان‌نامه را باید در سایه اصول و قواعد کلی حاکم بر مالکیت، مانند قاعده ید (محقق داماد، قواعد فقه مدنی، ص 27 و بعد) یا قاعده تسلیط (انصاری، مکاسب، ج 5، ص 20) و آنچه در قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان 1348 (از این پس، «قانون حمایت») و سایر مقررات پیرامونی آن آمده است تفسیر کرد. رساله یا پایان‌نامه در مفهوم ماده 1 قانون حمایت «اثر» تلقی می‌شود و نویسنده آن «پدیدآور» یا «صاحب‌اثر» است. در نظام حقوقی ایران پدیدآورندگان آثار دارای برخی حقوق مادی هستند که از نگاه برخی عبارتند از: 1) حق نشر و تکثیر، 2) حق ترجمه، 3) حق اقتباس و تلخیص و تبدیل، 4) حق عرضه و اجرا، و 5) حق استفاده از پاداش و جایزه (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص 74-77) و برخی حقوقدانان به این ترتیب آن‌ها را برشمرده‌اند: 1) حق نشر و تکثیر، 2) حق نمایش یا به عبارتی حق عرضه و اجرا، 3) حق توزیع یا پخش، 4) حق تعقیب، 5) حق بهره‌مندی از جایزه و پاداش، 6) حق اقتباس، تلخیص و گردآوری، 7) حق دسترسی به نسخه‌های اثر، و 8) حق الزحمه اجاره یا عاریه (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 174-151) و البته روشن است این حقوق برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز صدق می‌کند.

در حقوق ایران، اصل نخستین در مالکیت، «وحدت مالک» است (عبده بروجردی، حقوق مدنی، ص 13)؛ یعنی هر مال، تنها یک مالک دارد، مگر خلاف آن ثابت شود. نتیجه اجرای این اصل در مورد پایان‌نامه و رساله، ابتدائاً پذیرش مالکیت منفرد دانشجو بر پایان‌نامه و رساله است. همچنین حسب قاعده «ید»، آنچه در «ید» و تصرف یک نفر است، متعلق به صاحب «ید» است و «می‌تواند هر هرگونه تصرف و

³⁴Institutional works

³⁵Wage or salary or stipend

تغییری در آن به عمل آورد» (محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی، ص 27) و «غیر» فقط با توسل به ادله معتبر می‌تواند در موضوع «ید» خود را ذیحق بداند (محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی 2، ص 124). نتیجه اعمال قاعده «ید» آن است که اگر پایان‌نامه و رساله تحت تصرف دانشجو است و به نام او ارائه شده اصولاً متعلق به او بوده، غیر در آن فاقد هرگونه حق است.

همچنین برپایه ماده 30 قانون مدنی ایران («هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد») و با رعایت ماده 4 و 5 قانون حمایت («حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست...» و «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید...»)، اولاً قانونگذار ایران برای دانشجو در اثر پدیدآوردن پایان‌نامه و رساله حقوق مادی و معنوی قائل است و ثانیاً او می‌تواند به استناد ماده 30 قانون مدنی هرگونه که می‌خواهد در این حقوق تصرف کند، مگر قانون خلاف آن را تصریح کرده باشد یا از اوضاع و احوال، خلاف آن استنباط گردد و یا اثبات شود (امامی، حسن، حقوق مدنی، ص 593-595).

آنچه تاکنون گفته شد مؤدای احکام کلی مربوط به خلق اثر و میزان حقوق پدیدآور بود؛ فارغ از این که اثر واقعاً متعلق به او باشد یا نتیجه سرقت یافته علمی؛ (2) او دانشجو باشد یا غیر دانشجو، (3) در تهیه پایان‌نامه یا رساله از غیر کمک مادی یا فکری گرفته باشد یا نه، (4) اثر را استقلالاً پدید آورده باشد یا مشترکاً، (5) حقوق مادی یا معنوی خود را منتقل کرده باشد یا خیر، (5) حق او مشمول مرور زمان قرار گرفته باشد یا نه.

مالکیت معنوی

با توجه به مبانی مذکور در باره حقوق مادی بر پایان‌نامه، و این نکته که در حقوق ایران مانند بسیاری از کشورهای پیشرفته، مالکیت معنوی در کنار مالکیت مادی برای پدیدآور شناسایی شده (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 106 و بعد) موارد مربوط به مالکیت معنوی را می‌توان به ترتیب زیر عنوان کرد:

1. با توجه به اصل وحدت مالک، اصل آن است که در هر پایان‌نامه حق معنوی فقط یک مالک دارد و او همان کسی است که از پایان‌نامه دفاع کرده است.
2. چون در نگارش پایان‌نامه و رساله، استاد راهنما یا مشاور یا داور، اعلام نمی‌کند که قصدش از ارائه خدمات علمی آن است که در مالکیت معنوی پایان‌نامه شریک شود و در وضعیت عدم اعلام، موضع «مانحن فیه» به حالت متعارف و معمول احاله می‌شود و در خصوص پایان‌نامه و رساله برای استادان حق معنوی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا اصل در مالکیت، عدم مالکیت مشاعی است (عبده

بروجدی، محمد، حقوق مدنی، ص 13). با توجه به این قاعده، اگر استادان ثابت کنند که در نگارش پایان‌نامه تأثیری ورای متعارف داشته و از این رو، بخش‌هایی از پایان‌نامه نتیجه فکر یا اندیشه آن‌ها است، چنین اثری مشمول حکم مقرر در ماده 6 قانون حمایت (اثر اشتراکی) محسوب می‌شود.

3. حق معنوی بر پایان‌نامه با نگارش آن فقط برای پدیدآور (دانشجو) ایجاد می‌شود و چون حق مادی نیست، با رعایت ماده 3 قانون حمایت و همانند همه حقوق معنوی، قابلیت انتقال به غیر ندارد؛ چه قهراً و چه اختیاراً، چه کلاً و چه جزئاً (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص 86).

4. چون حق معنوی فقط به پدیدآور (دانشجو) تعلق دارد و قابل انتقال به غیر نیست، هر توافقی که با این هدف توسط دانشجو صورت گرفته باشد، باطل است؛ زیرا از یک سو از مصادیق انتقال برخلاف قانون است (ماده 10 قانون مدنی) و از سویی دیگر، مصداق ماده 348 قانون مدنی ایران است که مقرر می‌دارد: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است... باطل است». چون توافقی، چون قابلیت اجرا ندارد، بی‌اعتبار است (شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، ص 114).

5. مالکیت بر حق معنوی، مشمول مرور زمان 30 یا 50 ساله نمی‌شود و دائمی است (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 138 و میرحسینی، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، ص 262).

مالکیت مادی

مالکیت مادی پایان‌نامه و رساله در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی

در دانشگاه‌های دولتی (غیرشهریه‌ای): منظور از دانشگاه دولتی، هر دانشگاهی است که در آن، دانشجو بابت تحصیل، شهریه پرداخت نمی‌کند. در مرداد ماه سال 1353 با تصویب قانون «تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» تحصیلات در مؤسسات آموزش عالی کشور مجانی اعلام گردید و به موجب ماده 7 همین قانون، بهره‌مندان از آموزش رایگان مکلف شدند معادل دو برابر مدتی که از تحصیلات رایگان استفاده نموده‌اند، در صورت نیاز دولت، در کشور خدمت نمایند. پس از پیروزی انقلاب، ماده 7 قانون مذکور اصلاح و مدت تعهد به یک سال کاهش یافت.

پس از انقلاب، طی بخشنامه‌های شماره 106/266 مورخ 1354/4/8 و شماره 106/651 مورخ 1355/3/19 به مؤسسات آموزش عالی اعلام گردید در صورتی که دانشجویان مایل به استفاده از مزایای آموزش رایگان نباشند و یا قبل از انجام خدمت مقرر تعهد خدمتی خود را لغو نمایند، نسبت به پرداخت هزینه شهریه خود اقدام نمایند. در پاسخ به نامه‌ای که در مورخ 1362/10/29 از سوی نخست‌وزیر

وقت به شماره 10303/م ن به شورای نگهبان داده شد، این شورا اعلام داشت: «اصل سی‌ام قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن، مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به طور متعادل طبق قانون توزیع نماید. بنابراین، آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی دولت با رعایت اولویت‌ها، مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید. لازم به تذکر است که مستفاد از اصل سی‌ام قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی به موجب قوانین عادی نمی‌باشد. علی‌هذا مادام که دولت از امکانات فراهم کردن وسایل آموزش رایگان برخوردار نیست، عمل به مصوبه شورای انقلاب مغایر با قانون اساسی نمی‌باشد».

مستفاد از آنچه گفته شد:

1. دولت در ازای ارائه آموزش در دانشگاه‌های دولتی (غیرشهریه‌ای) حسب رویه تا حال وجهی نگرفته است.
2. تعهد استفاده‌کنندگان از آموزش‌های دولتی، تعهد به ارائه خدمت معادل مدت تحصیل در دوره‌های آموزشی است.
3. منعی وجود ندارد که در صورت عدم تمکن مالی، دولت بابت آموزش از دانشجویان وجه دریافت کند.

با توجه به موارد بالا، در وضعیت کنونی، حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله تماماً به دانشجو تعلق دارد؛ زیرا:

اولاً در مقررات مربوط ذکری از حق‌خواهی دولت در این باره نشده است؛

ثانیاً عمده تصریحی که در باب حق دولت بر دانشجویان ذکر شده، حق درخواست ارائه خدمت از سوی فارغ از تحصیلان است؛

ثالثاً حسب مقررات موجود، هیچ توافق جانبی بین دانشجویان و دولت یا دانشگاه مربوط آنان درباره تسهیم حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله صورت نگرفته است؛

رابعاً پایان‌نامه یا رساله دانشجویان را نمی‌توان به شرح ماده 13 قانون حمایت، یک اثر سفارشی دانست. علت آن است که در اثر سفارشی، اقدام به ایجاد اثر، ناشی از سفارش است که بدیهی است از ابتدا حقوق مالکیت ادبی برای سفارش‌دهنده به وجود می‌آید (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 92) و اگر چنین سفارشی در کار نباشد، اثری پدید نمی‌آید.

خامساً حتی اگر حقی مادی برای دانشگاه‌ها یا دولت در بخش مادی قابل تصور باشد، رویه و جریان متعارف در رابطه بین دانشگاه‌ها یا دولت، این حق را در حوزه حقوق مالکیت فکری وارد نمی‌کند و همان را نیز مشمول اعراض از حق یا اسقاط آن می‌داند و بر طبق مفاد ماده قانون مدنی ایران، این تلقی متعارف، قابلیت استناد دارد (شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، ص 117).

نتیجه آن که درخصوص پایان‌نامه یا رساله دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی، حقی برای دانشگاه به وجود نمی‌آید و تمام حقوق مادی به دانشجو تعلق دارد و او می‌تواند با توجه به ماده 30 قانون مدنی در پایان‌نامه یا رساله خود به هر شکل که می‌خواهد تصرف کند و حسب ماده 5 قانون حمایت، استفاده از حقوق مادی اثر خود را کلاً یا جزئاً در کلیه موارد به غیر واگذار کند (میرحسینی، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، ص 256).

در دانشگاه‌های غیردولتی (شهریه‌ای): در دانشگاه‌های غیردولتی، وضعیت مالکیت حقوق مادی ناشی از نگارش پایان‌نامه و رساله به نظر آشکارتر است؛ چرا که از همان آغاز در رابطه بین دانشجو و نهاد آموزشی، این توافق صورت گرفته که دانشجو باید در ازای استفاده از خدمات آموزشی دانشگاه، هزینه‌های مربوط را بپردازد و با این کیفیت، دانشگاه پذیرفته که جز آنچه به‌عنوان شهریه از دانشجو می‌گیرد، حقی بر دانشجو و نیز یافته‌های تحصیلی او ندارد؛ مضافاً این که این توافق بنایی که ظاهر نیز آن را تأیید می‌کند نیز بین دانشگاه و دانشجو وجود دارد که هنگام پرداخت آخرین مبالغ مربوط به شهریه، زمان تصفیه حساب کلی دانشجو با دانشگاه خواهد بود و کلیه مناسبات مالی دانشگاه و دانشجو در همان زمان خاتمه یافته تلقی خواهد شد.

مالکیت مادی پایان‌نامه و رساله در فرض دریافت یا عدم دریافت کمک مادی از غیر

ممکن است دانشجو در خلال تحصیل در دانشگاه، در قالب انواع صورت‌های مادی، از غیر کمک مالی بگیرد. آیا در مورد چنین دانشجویی، کمک‌کننده در حقوق مادی اثر با دانشجو مشاعاً شریک است یا نه؟ آشکار است که اولاً با توجه به این که چنین شخصی هیچ بخشی از پایان‌نامه یا رساله را در کنار دانشجو پدید نیاورده، نباید شریک دانشجو در حقوق مادی باشد و اثر پدید آمده را نباید «اثر مشترک» دانست؛ زیرا یک اثر هنگامی مشترک است که در آفرینش آن، چند شخص با هم همکاری داشته باشند (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 97) و ماده 6 قانون حمایت نیز مؤید این نظر است. ثانیاً حسب اصل وحدت مالک، هرگونه کمک مالی یا مادی به دانشجو باعث نمی‌شود که دیگری در مالکیت مادی پایان‌نامه یا رساله با دانشجو شریک شود؛ مگر آن که یا کمک‌کننده به‌صراحت - خواه کتباً و خواه شفاهاً - با دانشجو در این باره توافق کند که چنین توافقی، با توجه به اصل صحت معاملات و همچنین

با توجه به مفاد ماده 30 قانون مدنی معتبر است و یا این که امر با توجه به ماده 225 قانون مدنی ایران، قابل استنباط باشد.

اما آیا دانشجویی که هنوز پایان نامه یا رساله خود را تمام نکرده، می تواند حقوقی را که هنوز ایجاد نشده کلاً یا جزئاً به غیر واگذار کند و برای نمونه با مالک یک آپارتمان بگوید: اگر امکان سکونت در این جا را به رایگان یا به نیم بها به من بدهی، من نیز در هنگامی که پایان نامه یا رساله ام دفاع شد، نیمی از حقوق مادی آن را به مدت 10 یا 20 سال به تو می دهم یا تو را در 50 درصد آن شریک می کنم. این موضوع در حقوق در ذیل قاعده «الشیء ما لم یجب لم یوجد» بررسی می شود (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگنامه اصول فقه، ص 609). حسب این قاعده، هر چند تا پیش از دفاع، به لحاظ حقوقی و برابر مقررات دانشگاهی، پایان نامه یا رساله ای پدید نیامده و اثری محقق نشده تا مشمول حمایت های قانونی و واجد حقوق مادی و معنوی گردد، اما چون سبب آن که همان پذیرش عنوان پایان نامه یا رساله است واقعیت بیرونی یافته، دانشجو می تواند در باره حقوق مادی ناشی از چنین اثری با غیر توافق کند و چنین توافقی معتبر است.

مالکیت مادی پایان نامه و رساله با توجه به وجود استاد راهنما، مشاور و داور

در دانشگاه های دولتی (غیرشهریه ای): وضعیت مالکیت مادی پایان نامه یا رساله دانشجویی در ارتباط با استاد راهنما، مشاور و داور در دانشگاه دولتی از آن نظر نیاز به بررسی بیش تر دارد که وجوهی که اشخاص یاد شده در این دانشگاه ها بابت راهنمایی، مشاوره یا داوری و نظارت بر پایان نامه یا رساله می گیرند، مابازای واقعی و بازاری فعلیتی که ارائه می کنند نیست و هم آنان و هم دانشجو می دانند که اگر قرار بود دانشجو برای خدماتی که به منظور نهایی شدن پایان نامه یا رساله گرفته، وجهی بپردازد، دست کم به میزان شهریه های مربوط در دانشگاه های غیردولتی (شهریه ای) می بود؛ اما آیا این واقعیت، به تحقق حق مادی یا معنوی برای اشخاص یاد شده در پایان نامه یا رساله خواهد انجامید و محصول نهایی را به یک مال شراکتی یا مشاعی بدل خواهد کرد یا نه؟ بررسی در این باره را با بیان مقدمات زیر انجام خواهیم داد:

الف) اصل رایگان بودن و به تعبیر حقوقی، تبری بودن آموزش در ایران این نتیجه کلی را دارد که متبرع در محصول ناشی از اقدام تبری قاعداً سهمی نمی خواهد و از این رو در آنچه وجه مادی دارد، او خود را ذیحق نمی شمرد (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج 1، ص 120-113).

ب) در رابطه بین طرفین یک رابطه حقوقی، اشخاصی که از سوی اصیل وارد در رابطه می شوند، نمی توانند در حالت ابتدایی، حقوقی بیش از اصیل داشته باشند (شهیدی، آثار قراردادها و تعهدات،

ص 24 و بعد) و چون دانشگاه به‌عنوان یکی از طرفین اصیل در توافق تحصیل، حقی مادی بر پایان‌نامه یا رساله ندارد، هیچ‌یک از استاد راهنما، مشاور یا داور نیز حقی در این خصوص نخواهند داشت. (پ) قراردادهای خصوصی که برخلاف قانون منعقد می‌شوند، فاقد اعتبارند و قانون در عمل از آن‌ها حمایت نمی‌کند (شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، ص 185-188). از این رو، اگر برخلاف آیین‌نامه‌های مربوط به دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، هریک از استاد راهنما، مشاور یا داور با دانشجو توافق کند که در صورتی به او کمک خواهد کرد که او، آنان را در حقوق مادی سهمیم کند، چنین توافقی به لحاظ حقوقی معتبر نیست.

اما آنچه گفته شد چگونه با مفاد ماده 1 قانون حمایت قابل توجیه است که حسب مفاد آن، هر که در خلق اثر دخیل است در حقوق مادی و معنوی ناشی از آن نیز سهمیم است؛ چه بداند و چه نداند. به تعبیر دیگر، در حکم مندرج در ماده 1 قانون حمایت، علم و جهل اخذ نشده است. از این رو، هریک از استاد راهنما، استاد مشاور، چه بداند و چه نداند، هنگامی که پایان‌نامه یا رساله، «از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید»، به میزان تأثیری که در ایجاد اثر دارد، در حقوق سهمیمند و چون ایجاد حق هیچ ارتباطی با مطالبه ذیحق و علم او به تحقق آن ندارد، حتی اگر سال‌ها بعد، این اشخاص به حق خود واقف شوند و در مقام مطالبه برآیند، باید حقوقشان به آنان داده شود. برای بررسی وضعیتی که ترسیم شد لازم است موارد زیر طرح شود:

1. در حقوق مدنی و نیز قانون مدنی ایران پذیرفته شده که اراده عنصر کارساز در هر رابطه و عمل یا واقعه حقوقی است و قاعده «العقود تابعه للقصود» بر این امر تأکید دارد (مراغی، *العناوین*، ج 2، ص 56). در واقع، ماهیت حقوقی، نتیجه اراده یا اراده‌هایی است که آن را به وجود آورده‌اند؛ مشروط بر این که قانونگذار همکاری اراده‌ها را در ایجاد چنان توافقی مجاز بداند (ماده 10 قانون مدنی).
2. ماده 289 قانون مدنی ایران می‌گوید: «ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرفنظر کند» و در مواردی که در تحقق ابراء شک وجود دارد، اصل عدم وقوع ابراء است.
3. در حقوق ایران، اسقاط حق موجب از میان رفتن حق است.
4. ابراء یا اسقاط یا صریحاً صورت می‌گیرد و یا نتیجه فعل یا ترک فعلی است که در عالم حقوق چنین اثری دارد و به تعبیر دیگر یا صریح است یا ضمنی.

با توجه به این مقدمات، درست است که امکان دارد گفته شود وقتی استاد راهنما، استاد مشاور و یا داور مطلبی را به دانشجو می‌گویند و او از آن در نگارش رساله کلاً یا جزئاً و یا تصریحاً یا تلویحاً استفاده می‌کند، آنان در همین حد در حقوق مادی یا معنوی اثر سهمیم هستند، اما در حالتی که آنان با علم به وجود چنین احتمالی، به دانشجو ارائه خدمت می‌کنند و به رغم آگاهی بر مفاد قانون حمایت، نهایتاً

پایان‌نامه یا رساله دانشجوی را بدون قید هرگونه حقی یا سهمی برای خود به نام او امضا می‌کنند، چه تصریحاً و چه در عمل پذیرفته‌اند که در پایان‌نامه یا رساله دانشجوی حقی که بتوان در حوزه ماده 1 از آن گفتگو کرد ندارند و آنچه به دانشجوی گفته‌اند موجب تحقق حق برای آنان نمی‌شود و هرچه بوده حقی مالی در حوزه حقوق قراردادها است؛ آن‌هم قراردادی که با دانشگاه دارند که در ازای اقدامشان فلان مبلغ بگیرند.

اما این توجیه درخصوص اشخاصی که به وجود ماده 1 یا به حکم مندرج در آن آگاه نیستند و ذیل تأییدیه پایان‌نامه یا رساله را امضا می‌کنند، قابل ارائه و دفاع نیست؛ چون آنان اراده‌ای بر ابراء یا اسقاط حق نداشته‌اند. در واقع، چنانچه این افراد پس از علم به موضوع، مدعی حقی اعم از مادی یا معنوی شوند، مطالبه آنان با متعارف در جامعه دانشگاهی سازگار نیست و چون با عرف همخوانی ندارد قابل دفاع نخواهد بود. این سخن را مفاد ماده 225 قانون مدنی ایران تأیید می‌کند. طبق این ماده: «متعارف بودن امری در عرف و عادت، به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد، به منزله ذکر در عقد است». همچنین با توجه به مفاد ماده 3 قانون مدنی که می‌گوید: قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است...»، باید پذیرفت که پانزده روز پس از تصویب قانون حمایت، هر استاد راهنما، استاد مشاور و یا داوری که رساله‌ای را راهنمایی یا مشاوره یا داوری کرده یا می‌کند، از حکم مقرر در ماده یک آن آگاه است و با علم به همین علم مفروض، اقدام می‌کند و نمی‌تواند پس از امضای پایان‌نامه یا رساله، خود را در حقوق مادی یا معنوی ناشی از نگارش پایان‌نامه یا رساله سابق یا حال سهیم بداند؛ هرچند برخی با این حکم قانونگذار چندان موافق نیستند و این فرض را مخالف با واقع می‌دانند (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج 1، ص 397).

در دانشگاه‌های غیردولتی (شهریه‌ای): مطالبی که درباره وضعیت حقوق مادی دانشگاه و دانشجوی در دانشگاه‌های غیردولتی گفته شد، در مورد وضعیت بین استاد راهنما، استاد مشاور و داور پایان‌نامه و رساله نیز صادق است؛ به این معنا که در ارتباط با این سه نفر نیز دانشجوی پس از تصفیه حساب با دانشگاه، دیگر هیچ ارتباط مالی ناشی از تحصیل یا نگارش پایان‌نامه یا رساله نخواهد داشت؛ چرا که آنان اولاً پذیرفته‌اند که از سوی دانشگاه وارد در امر پایان‌نامه یا رساله دانشجوی شده‌اند و ثانیاً در مقابل آنچه انجام داده‌اند، وجه مربوط به آن را تماماً دریافت کرده‌اند و در واقع هیچ‌گاه به لحاظ مادی طرف معامله با دانشجوی نبوده و نیستند و همان توافقی که بین دانشجوی و دانشگاه در باب عدم ادعای هرگونه حق مادی و معنوی وجود دارد، بین اشخاصی که از قبیل دانشگاه امری را برعهده می‌گیرند نیز وجود خواهد داشت؛ مگر آن‌که این اشخاص در توافقی جداگانه با دانشجوی درخصوص حقوق مادی یا معنوی

ناشی از پایان‌نامه یا رساله قرارداد یا توافقی مستقل داشته باشند که در این صورت، با توجه به متخلفانه بودن این‌گونه توافقات در فضای دانشگاه و مغایرت آن با آیین‌نامه‌های مربوط، واجد اعتبار نخواهند بود.

مالکیت مادی پایان‌نامه و رساله در حالت انتقال حق

چنانچه دانشجو، پیش از تدوین پایان‌نامه یا رساله یا در حین نگارش آن و یا پس از دفاع، حق مادی ناشی از آن را به غیر منتقل کند، این امر در حدود عمومات حقوقی و آنچه در ماده 12 و بعد قانون حمایت آمده، واجد آثار است و منتقل‌آلیه مالک حقوق خواهد بود. شخص اخیر، اعم است از دانشگاه متبوع دانشجو و یا هر شخص دیگر که حق مادی به او منتقل شده باشد.

درخصوص دانشجویانی که به‌تازگی در قالب دوره‌های دکتری پژوهش‌محور وارد دوره دکتری می‌شوند و عموماً از وابستگی اداری یکی از نهادهای دولتی هستند یا خواهند شد و دستگاه یا نهاد دولتی می‌پذیرد که هزینه‌های تحصیل آنان را به دانشگاه متبوع بپردازد و موضوع پایان‌نامه دانشجو نیز از همان آغاز مشخص است و او برای انجام تحقیق بر روی همان موضوع وارد دوره دکتری می‌شود، وضعیت مالکیت مادی بر پایان‌نامه یا رساله را باید تابع ماده 13 قانون حمایت (آثار سفارشی) دانست؛ زیرا در این مورد، از همان آغاز دستگاه اولاً تمام هزینه‌های تحصیل دانشجو را می‌پردازد؛ ثانیاً در توافق دانشجو با دستگاه و نیز توافق دانشگاه با دستگاه این امر صریحاً یا تلویحاً مورد توافق و موضوع قصد طرفین است که دانشجو استقلالاً حقی ندارد و آنچه از حقوق مادی خلق می‌شود در دایره مالکیت سفارش‌دهنده محقق می‌شود، نه دانشجو؛ و چنین وضعیتی با ماهیت اثر سفارشی مطابقت دارد (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص 81).

مالکیت مادی پایان‌نامه و رساله در صورت مرور زمان

فرض قانونگذار ایران آن است که هر اثری (که در واقع ملک به شمار می‌رود) از ابتدا بدون مالک نیست و با این ترتیب، اگر پدید آوردن اثر موجب تحقق دو حق می‌شود، از همان آغاز این دو نوع حق به پدیدآور تعلق دارد، مگر دیگری بتواند خلاف آن را ثابت کند. اما در نگاه قانونگذار، حق مادی - برخلاف حق معنوی - استمرار زمانی پایدار ندارد (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 196)، بلکه با گذشت زمان مالکیت مادی بر «اثر» از بین می‌رود. این اتفاق یا ناشی از توافقی است که صاحب اثر با غیر برای انتقال حق مادی به طور کلی یا جزئی صورت می‌دهد؛ یا به خاطر آن است که پدیدآور حق مادی خود را صریحاً یا ضمناً اسقاط می‌کند و یا از آن چشم‌پوشد. علت دیگر از میان رفتن حق مادی آن است که حق مادی مشمول مرور زمان شود (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 202)؛ یعنی همان که در ماده 12 قانون حمایت (اصلاحی 1389/5/31) با این عبارت بیان شده است: «مدت استفاده از

حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود، از تاریخ مرگ پدیدآورنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد».

تا پیش از اصلاحات سال 1389 مدت مقرر در این ماده 30 سال بود، اما در 1389/5/31 در جهت حمایت بیش‌تر از پدیدآورندگان و هماهنگی با مقررات جهانی، این مدت به پنجاه سال افزایش یافت. نتیجه حکمی که در این ماده مقرر گردیده آن است که پس از مدت پنجاه سال، پایان‌نامه یا رساله به لحاظ مادی مورد حمایت قانونگذار ایران نیست و هر شخصی می‌تواند با رعایت حق معنوی صاحب اثر (دانشجو) از اثر او استفاده انتفاعی ببرد. تأکید بر رعایت حق معنوی صاحب اثر، حتی پس از گذشت 50 سال برای آن است که عدم ذکر ارجاع به اثر غیر، حتی پس از این مدت همچنان مشمول عنوان سرقت علمی است و مرتکب مشمول مجازات‌های قانونی مقرر در ماده 23 و بعد قانون حمایت می‌شود (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص 88-90). به تعبیر دیگر، گذشت 50 سال فقط حمایت‌هایی را که از حق مادی توسط قانونگذار تعریف شده منتفی می‌کند، نه حمایت‌های دائمی که مربوط به حق معنوی است و نقض حق معنوی تا زمانی که اثر وجود دارد، حتی اگر صاحب اثر نباشد، همواره مورد حمایت است (زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، ص 139-137) و نقض آن ضمانت‌اجرای کیفی دارد.

جمع‌بندی

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی، به دلیل نقش داشتن افراد و نهادهایی غیر از دانشجویان در آفرینش آن‌ها، از آثاری هستند که مالکیت معنوی و مادی‌شان محل اختلاف به نظر می‌رسد. بنابراین، پیش از آغاز نگارش چنین آثاری، مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های پشتیبان باید سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های شفاف‌تری درباره آن‌ها داشته باشند.

با توجه به آنچه در خصوص مبانی حقوقی حقوق مؤلف، اعم از مادی و معنوی گفته شد، و نیز به رغم التفات به این نکته که در برخی از مواقع ممکن است نظر و راهنمایی‌های استاد راهنما، مشاور یا داور، موجب تغییرات عمده و درخور توجه در یافته‌ها و نتایج پژوهش شود، چه در مقررات کشورهای مورد مطالعه و چه در متون قانونی ایرانی، اعم از قانون حمایت و یا مقررات دانشگاهی، هیچ‌گاه این دخالت و تأثیرگذاری موجب سهیم شدن «غیر» (استاد راهنما، مشاور یا داور) در حقوق مادی یا معنوی ناشی از پایان‌نامه یا رساله دانشجویی محسوب نشده است و همواره شخص دانشجو، مالک «اثر» و حقوق ناشی از آن - به تعبیر قانون حمایت - به شمار آمده است.

آنچه گفته شد، در مورد دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی (غیرشهریه‌ای) و همچنین غیردولتی (شهریه‌ای) صادق است؛ اما هرگاه ورود دانشجو به دوره‌های تحصیلات تکمیلی ناشی از ارائه تسهیلات خاص و ویژه آموزشی و مالی به دانشجو باشد، به گونه‌ای که دانشجو در واقع امر، عهده‌دار خلق یک اثر سفارشی به مفهوم ماده 6 قانون حمایت به شما رود، باید گفت که در این مورد، مالکیت مادی بر اثر نهایی که همان پایان‌نامه یا رساله است به دستگاه یا نهاد متولی امور مالی یا پیشنهاددهنده تعلق دارد؛ اما با توجه به اصل تبعیت مالکیت معنوی از مؤلف (پدیدآور)، حق معنوی چنین اثری به دانشجو تعلق خواهد داشت، نه دانشگاه معرفی‌کننده.

نتیجه آن‌که در فضای حقوق داخلی، اصل بر تعلق حق مادی و معنوی پایان‌نامه یا رساله به دانشجو است، مگر خلافش اثبات شود.

فهرست منابع

1. امامی، سیدحسن (1378)، حقوق مدنی، ج 1، چ 20، تهران، اسلامیه.
2. زرکلام، ستار (1393)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چ 4، تهران، سمت.
3. شهیدی، مهدی (1383)، آثار قراردادهای و تعهدات، چ 2، تهران، مجد.
4. شهیدی، مهدی (1395)، تشکیل قراردادهای و تعهدات، چ 12، تهران، مجد.
5. شیخ انصاری، مرتضی (1420هـ.ق)، مکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
6. صفایی، سید حسین (1392)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چ 3، تهران، میزان.
7. عبده بروجردی، محمد (1380)، حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، قزوین، طه.
8. کانونزبان، ناصر (1376)، قواعد عمومی قراردادهای، چ 1، چ 4، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
9. محقق داماد، سید مصطفی (1380)، قواعد فقه، بخش مدنی 2، چ 4، تهران، سمت.
10. محقق داماد، سید مصطفی (1382)، قواعد فقه مدنی، چ 10، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
11. مراغی، میرفتاح (1417 هـ.ق)، العناوین، چ 2، تهران، مؤسسه نشر اسلامی.
12. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (1392)، فرهنگنامه اصول فقه، چ 4، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
13. میرحسینی، سیدحسن (1394)، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، چ 5، تهران، میزان.
14. Andrew, Theo (2004). *Intellectual property and electronic theses*. UK: Joint Information Systems Committee (JISC).

15. Ardito, Stephanie (2002). Moral rights for authors and artists: in light of the Tasini ruling, is the next step to advocate for legislation?. *Information Today*, 19(1): 17-19.
16. Bird, Robert C., and Lucille M. Ponte. 2006. Protecting Moral Rights in the United States and the United Kingdom: Challenges and Opportunities Under the UK's New Performances Regulations." *BU Int'l LJ*(24): 213.
17. Coiller, David (1993). The Comparative Method. In Finifter, Ada W., ed. *Political Science: The State of the Discipline II*. Washington, D.C.: American Political Science Association.
18. Crews, Kenneth D (2013). Copyright and your dissertation or thesis: Ownership, fair use, and your rights and responsibilities." *ProQuest LLC*. Retrieved September 01, 2015
http://media2.proquest.com/documents/copyright_dissthesis_ownership.pdf
19. Duke University (2015). *Guide for the Electronic Submission of Thesis and Dissertation*. North Carolina: Duke University. Retrieved at October 29, 2015 from <https://gradschool.duke.edu/sites/default/files/documents/ElectronicThesisDissGuide.pdf>
20. Flick, Uwe (2014). *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*. London: Sage.
21. Gadd, Elizabeth, Charles Oppenheim, and Steve Proberts (2003). RoMEO Studies 1: -
archiving. *Journal of documentation*, 59(3): 243-277.
22. Gingrich, Andre (2012). 'Comparative methods in sociocultural anthropology today', in Richard Fardon et al. (eds), *Handbook of Social Anthropology*, vol. 2. London: Sage: pp. 211-22.
23. Grant, Cynthia L., & Daniel R. Tomal (2013). *How to finish and defend your dissertation: Strategies to complete the professional practice doctorate*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
24. Harris, Lesley Ellen (2011). Moral Rights in Works of Visual Art in the U.S." www.copyrightlaws.com, accessed June 01, 2016, <http://www.copyrightlaws.com/wp-content/uploads/2010/01/Moral-rights-in-the-US.pdf>
25. Kearney, Margaret H (2014). Who owns a dissertation, and why does it matter?." *Research in nursing & health*, 37(4): 261-264.
26. May, Tim (1997). *Social Research: Issues, Methods and Process*, 2nd edition. Buckingham: Open University Press.
27. McSherry, Corynne (2001). *Who owns academic work?: battling for control of intellectual property*. Harvard University Press.
28. Mohammed, Emir Aly Crowne (2009). Moral rights and mortal rights in Canada. *Journal of Intellectual Property Law & Practice*, 4(4): 261-266.
29. Office Of Scholarly Communication (2015). *Open Access Dissertations & Theses*. University Of California, Retrieved at October 29, 2015 from

- <http://osc.universityofcalifornia.edu/scholarly-publishing/open-access/dissertations-theses/>
30. Pickton, Margaret, and Cliff McKnight. (2006). Research students and the Loughborough institutional repository. *Journal of librarianship and information science*, 38(4): 203-219.
 31. Pila, Justine (2010). Who Owns the Intellectual Property Rights in Academic Work?." *European Intellectual Property Review*: 609-613.
 32. Rahmatian, Andreas (2014). Make the butterflies fly in formation? Management of copyright created by academics in UK universities. *Legal Studies*, 34(4): 709-735.
 33. Rapley, Tim (2007). *Doing Conversation, Discourse and Document Analysis*. London: Sage.
 34. Rhodes, Catherine, John Harris, Sarah Chan, and John Sulston (2011). The 'ownership' of science. *Prometheus*, 29(3): 325-336.
 35. Rigamonti, Cyrill P (2006). Deconstructing Moral Rights. *Harvard International Law Journal*, 47(2): 353-412.
 36. Stanford University (2016). Stanford University Copyright Policy: Relationships Between Students (Including Postdoctoral Scholars) and Outside Entities. Stanford University, 2016. Retrieved at 10 April, 2016 from <https://doresearch.stanford.edu/policies/research-policy-handbook/non-faculty-research-appointments/relationships-between-students#anchor-1069>
 37. Strauss, Claudia and Quinn, Naomi (1997). *A Cognitive Theory of Cultural Meaning*. Cambridge: Cambridge University Press.
 38. Tarlock, A. Dan (2001). Who Owns Science. *Penn St. Envtl. L. Rev.* 10: 135.
 39. University Copyright Office. *Copyright & Your Thesis*. University of Melbourne, 2013. 29, 2015
<http://www.unimelb.edu.au/copyright/information/guides/thesesblue.pdf>
 40. University of Michigan Library (2016). Graduate Student's Guide to Publishing: Author's Rights. *University of Michigan*, accessed June 01, 2016, <http://guides.lib.umich.edu/c.php?g=283130&p=1886288>
 41. Vijayakumar, J. K., T. A. V. Murthy, and M. T. M. Khan (2005). Indian academia on copyright and IPR issues of Electronic Theses and Dissertations. *International CALIBER-2005*, Kochi, 2-4, 2005.: , 697-704.

Ownership Right to Student's Theses or Dissertations in Terms of Intellectual Property Rights

(Comparative Study)

Abstract

Theses and dissertations are the main output of graduate students in universities and research institutions. Although the core idea in the theses or dissertations belongs to students, guidance team and institutions can have important role in completing these ideas and publishing theses or dissertations. But there still is the problem which is remained unaddressed, who owns economic and moral rights of these publications: students, guidance team, or even relative institutions? Current study is aiming to investigate mentioned problem through a legal approach. As intellectual property right is an important infrastructure for collecting, organizing, and disseminating theses and dissertations, establishing this study looks inevitable. The main objective of this research is to comparative investigating legal basics of economic and moral rights in students' theses and dissertations in Iran and some developed countries (the USA and Canada). Qualitative approach is selected to answer research questions, so that researchers are trying to adopt document analysis methodology for obtaining defined objective. Since writing theses and dissertations is essential for completing a postgraduate degree in the most of educational systems, research population including laws, rules, and regulations related to copyright, in particular those concerning theses and dissertations in Iran, the USA, and Canada. Findings show policies regarding to copyright of theses and dissertations in the USA and Canada are addressed, but in Iran these policies are not clear. While university professors including supervisor and advisor may have impact on completing theses and dissertations, the owner of the final work is the student.

Keywords: *Intellectual Property Rights, Copyright, Theses and Dissertations, Economic and Moral Rights, Higher Education, Iran*